

Layered Analysis of Issues Facing the Realization of a New Islamic Civilization

Received: 03/11/2022 Accepted: 06/01/2023

Hossein Ebrahimi Kooshali^{*} / Gholamreza Goodarzi^{**} / Mahdi Nazemi Ardakani^{***}

(32-59)

Using the capacity of one of the applied methods of futurology, the present article evaluates and signifies the importance of the most important shaping factors in a new civilization in four analytical layers after identifying them. Causal Layered Analysis (CLA) is recognized as an effective method to provide multilayer analysis of a phenomenon or issue. In this scientific endeavor, seventeen representatives of civilization were identified using the study of the background of the topics in the field of civilization and the expert panel. The identified reagents were then divided into four levels of realities, systems, discourses and myths using the capabilities of the layer analysis method of causes. A questionnaire was designed based on this and experts were asked to evaluate the importance and position of each representative of civilization in different layers. The most important representatives of civilization in each layer were then identified by analyzing the opinions of the experts. The findings indicate that on the level of realities, two representatives of civilization 'rituals, behaviors and symbols' and 'languages, rituals and customs' represent civilization at a level of the social system (systems and structures of governance and management – state and society administrative systems); at the level of discourses, there are two references of civilization: 'a system of ideals and goals and a system of functions' and 'a collection of sciences and educations (theoretical logic)'. At the level of myths, the references of civilization (role models) are more important and should be given special attention by the country's management strategies.

Keywords: Civilization, future studies, layered analysis of causes, civilization indicators.

*. Graduated with a Ph.D. in Future Research Management from the Higher National Defense University, Tehran, Iran
(corresponding author), h.ekoosha@gmail.com.

** . Professor, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadegh University, Tehran, Iran, rgoodarzi@isu.ac.ir

*** . Associate Professor, Department of Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran mnazemi32@yahoo.com.



تحلیل لایه‌ای مسائل فراروی تحقق تمدن نوین اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶

حسین ابراهیمی کوشالی*، غلامرضا گودرزی**،

مهدی ناظمی اردکانی***

(۳۲-۵۹)

چکیده

مقاله حاضر با بهره‌گیری از ظرفیت یکی از روش‌های کاربردی علم آینده‌پژوهی، پس از شناسایی مهم‌ترین معرف‌های شکل دهنده به یک تمدن جدید، به ارزیابی و اهمیت‌سنجی آنها در چهار لایه تحلیلی می‌پردازد. تحلیل لایه‌ای علت‌ها (CLA)، به‌عنوان یک روش مؤثر برای ارائه تحلیل چندلایه‌ای از یک پدیده یا مسئله شناخته می‌شود. در این فعالیت علمی، با استفاده از مطالعه پیشینه مباحث حوزه تمدن‌سازی و پانل خبرگی، هدف معرف تمدنی شناسایی شده در چهار سطح واقعیت‌ها، نظام‌ها، گفتمان‌ها و اسطوره‌ها سازمان‌دهی شد. براین اساس پرسش‌نامه‌ای طراحی و از خبرگان خواسته شد اهمیت و جایگاه هر معرف تمدنی را در لایه‌های مختلف ارزش‌گذاری کنند. سپس با تحلیل مجموع نظرهای خبرگان، مهم‌ترین معرف‌های تمدنی در هر لایه شناسایی شد. یافته‌ها حاکی از آن است که در سطح واقعیت‌ها دو معرف تمدنی «مناسک، رفتارها و نمادها» و «زبان‌ها و شعائر و آداب و رسوم»، در سطح نظام‌های اجتماعی معرف تمدنی «نظام‌ها و ساختارهای حاکمیتی و مدیریتی (نظامات اداره‌کننده دولت و جامعه)»، در سطح گفتمان‌ها دو معرف تمدنی «منظومه آرمان‌ها و اهداف و نظام کارکردها» و «مجموعه علوم و معارف (منطق نظری)»، و در سطح اسطوره‌ها معرف تمدنی «شخصیت‌های الگو» مهم‌تر هستند که باید در راهبردهای مدیریتی کشور مورد توجه ویژه قرار بگیرند.

واژگان کلیدی: تمدن‌سازی، آینده‌پژوهی، تحلیل لایه‌ای علت‌ها، معرف‌های تمدنی.

* دانش آموخته دکتری مدیریت آینده پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

h.ekoosha@gmail.com

** استاد مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران، rgodarzi@isu.ac.ir

*** دانشیار مدیریت دانشگاه امام حسین علیه السلام، تهران، ایران، mnazemi32@yahoo.com

مقدمه

در طول تاریخ، تمدن‌های زیادی شکل گرفته‌اند که هر یک به‌نوعی در مسیر رشد علم و دانش بشری مؤثر بوده‌اند. نمونه‌ای از این تمدن‌ها تمدن اسلامی است که با بعثت رسول خدا ﷺ و هجرتشان به مدینه آغاز شد و مسلمانان با اتکا بر آموزه‌های قرآن و سفارش‌های ایشان و ائمه علیهم‌السلام، آن را تا قرن پنجم هجری به‌اوج رساندند. اما از این تاریخ به بعد، این تمدن در سراسیبهی نزول قرار گرفت و در قرن نوزدهم، با حمله استعمارگران به مسلمانان، دچار رکود کامل شد. در قرن حاضر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران، نظام جمهوری اسلامی با هدایت‌های امام خمینی ره و امام خامنه‌ای، پرچم‌دار و جلودار تفکر توحیدی در جهان شده است و در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی حرکت می‌کند. با دقت در حوادث عالم، نشانه‌هایی از روند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی که هدف غایی انقلاب اسلامی^۱ است مشاهده می‌شود که به‌تبع علاقه‌مندان را خوش‌حال و حامیان و طرف‌داران تمدن‌های رقیب را برآشفته کرده است.

یکی از مهم‌ترین قلمروهای مطالعاتی در حوزه تمدن نوین اسلامی، فهم مسائل پیش روی آن است و ضرورت مهم‌تر در این حوزه فراهم کردن زمینه‌های فهم روشمند معرفت‌های شکل‌دهنده به این موضوع راهبردی و تحلیل آنهاست. براین اساس یکی از سؤالات مهمی که مطرح می‌شود آن است که آیا می‌توان پس از شناسایی مسائل اصلی فراروی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در قالب معرفت‌های تمدنی، به شکلی روشمند آنها را تحلیل و از منظر اهمیت و ضرورت اولویت‌بندی کرد؟ حال اگر این امکان وجود داشت، چگونه باید آن را در یک چهارچوب علمی محقق کرد؟ پژوهش حاضر به دنبال یافتن جواب‌هایی علمی و قابل دفاع به پرسش‌های مذکور بوده است.

برای پاسخ به این سؤالات راهبردی لازم بود تا با بهره‌گیری از روش‌های کیفی همچون پانل خبرگی و پرسش از خبرگان، معرفت‌های تمدنی را شناسایی، و با استفاده از پرسش‌نامه به آنها اعتباربخشی کرد. لذا در این تحقیق مراحل مذکور انجام شد و درنهایت با استفاده از

۱. امام خامنه‌ای: «هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳).

قابلیت‌های روش آینده‌پژوهانه «تحلیل لایه‌ای علت‌ها»، معرف‌ها دسته‌بندی شد و اولویت آنها در مقام اجرا به تفکیک هر لایه مورد پژوهش قرار گرفت.

این پژوهش به میزان اثرگذاری و اهمیت هریک از معرف‌های تمدنی شناسایی شده انجامید. نتایج حاصل شده کمک می‌کنند در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین هدف راهبردی نظام اسلامی، تمرکز منابع و امکانات در حوزه‌های مهم‌تری که از روی معرف‌های تمدنی برتر شناسایی می‌شوند، صورت پذیرد.

چهارچوب تحلیلی

مسئله اصلی مورد توجه در این تحقیق، سامان‌دهی نظام مسائل موجود در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی است. برای سامان‌دهی در این حوزه می‌توان از روش‌های مختلفی استفاده کرد، اما رویکرد این پژوهش استفاده از ظرفیت «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» است که در آن معرف‌های تمدنی در چهار سطح لیسانی، ساختارها، جهان‌بینی و استعاره‌ها بررسی می‌شوند. اعتقاد ما بر این است که تمدن غرب به‌عنوان پارادایم حاکم بر جهان امروز، نظام مسائل تمدنی خود را در همین چهار سطح سازمان‌دهی و پاسخ‌گویی کرده است.

تحلیل لایه‌ای علت‌ها به دنبال «تعریف‌زدایی» از آینده است و تلاشی محسوب می‌شود برای حصول اطمینان از اینکه یک حقیقت، قطعی در نظر گرفته نشده و روندها و طرح‌ریزی‌ها، بدیهی انگاشته نشده‌اند.



سهیل عنایت‌الله، به‌عنوان نخستین آینده‌پژوهی که روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها را مطرح کرد، معتقد بود فهم آینده در گرو اندیشیدن در چهار سطح یا لایه است. این چهار لایه

شامل سطح لیتانی،^۱ سطح ساختارها و سیستم‌های اجتماعی، سطح جهان‌بینی و گفتمان و سطح استعاره‌ها و اسطوره‌ها می‌شوند (عنایت‌الله، ۱۳۹۵: ۴۷).

به‌سادگی می‌توان گفت سطح لیتانی ظاهر مشکل، اتفاق، روند یا هر چیزی است که موضوع تحقیق در آینده‌پژوهی است.

لایه دوم یعنی همان علل و نظام‌های اجتماعی، تجزیه و تحلیل را گسترش می‌دهد و به زمینه‌ها نقش می‌دهد. مشکلات و راه‌حل‌ها هر دو درون زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی یا سیاسی درک شده‌اند.

در سومین سطح از تحلیل، گفتمان‌ها و مبانی فکری مقوم شکل‌گیری پدیده مورد نظر مورد توجه قرار می‌گیرد. براین اساس، زمانی که مشکل و زمینه آن مسئله‌ساز شدند، تجزیه و تحلیل به سوی بررسی ساختاری کلی که هر دو را حفظ می‌کند و مشروعیت می‌بخشد حرکت می‌کند. این سطح از تحلیل قرابت قابل توجهی با تکنیک تحلیل گفتمان^۲ حوزه مطالعات فرهنگی دارد.

لایه چهارم از این نوع تحلیل به دنبال رهاسازی فرایندهای خلاقانه ما برای تفکر درباره آینده است. استعارات خلق معنا می‌کنند و توجه ما را به برخی شباهت‌های موجود میان دو پدیده جلب می‌کنند و البته ممکن است شباهت جدیدی خلق کنند و از این رو معنای جدیدی به وجود آورند. استعارات عمیقاً در اسطوره‌های ناخودآگاه ما جای گرفته‌اند (بل، ۱۳۹۱: ۱۲۴). مثلاً تبلیغات استعارات بصری را که به واسطه اسطوره‌های فرهنگی شناخته شده خلق شده‌اند به کار می‌برند تا ما را تشویق به خریدن محصولی کنند که در حال فروش است.

بهره‌گیری از تحلیل لایه‌ای علت‌ها برای ارزیابی و اولویت‌سنجی نظام مسائل درباره شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، رهیافتی آینده‌پژوهانه در این حوزه محسوب می‌شود و لازم است درک کنیم که در پس هر نیاز و ضرورت تجربی (لیتانی)، زمینه‌ای اجتماعی و فرهنگی

1. Litany.

2. Discourse analysis.

وجود دارد، و در پس هر زمینه اجتماعی، یک گفتمان و یک جهان‌بینی که خود مبتنی بر اسطوره‌ها هستند.

شکل‌گیری تمدن در جوامع انسانی هم بدون تحقق الزامات چندسطحی مشتمل بر وجود لایه‌ای بنیادین که ناظر بر حقیقتی استوار و خدشه‌ناپذیر باشد، لایه‌ای که جهان‌بینی برگرفته از لایه حقیقت بنیادین را تفسیر کند، لایه‌ای که نظامات و سیستم‌های ساری و جاری‌کننده آن جهان‌بینی را پشتیبانی کند و درنهایت لایه‌ای که در قالب سرویس و خدمات نیازهای روزمره جامعه هدف را پاسخ‌گویی کند، امکان‌پذیر نیست. این وضعیت ما را به تأمل وامی‌دارد که کدامین چهارچوب تحلیلی، قدرت لازم برای ارزیابی لایه‌های تمدنی را دارد. پژوهشگران در این فعالیت علمی، قابلیت‌های تحلیل لایه‌ای علت‌ها را مناسب این نیاز دانسته و از آن بهره‌گرفته‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

روش‌های آینده‌پژوهی بسیار گسترده و متنوع هستند. از لحاظ روش‌شناختی، مطالعه حاضر از نوع آمیخته با رویکرد اکتشافی به آینده است و از طریق راهبرد «سندکاوی» در اسناد بالادستی و مطالعه کتابخانه‌ای و به‌کارگیری روش پانل خبرگی معرف‌های تمدنی شناسایی شده‌اند. در مراحل بعد نیز معرف‌های شناسایی شده از طریق به‌کارگیری روش‌های کمی و کیفی و با استفاده از ابزارهایی چون مصاحبه و پرسش‌نامه مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته و از منظر اهمیت، تحلیل و اولویت‌بندی شدند.

در این تحقیق، در بخش کیفی که شامل شناسایی معرف‌های تمدنی و تعیین جایگاه هر معرف در لایه‌های تحلیلی شکل‌گیری تمدن بود، از منابع و اسناد معتبر علمی و پانل خبرگی استفاده شد که در گام اول به تشریح آنها پرداختیم. در بخش کمی نیز به دلیل محدودیت‌های پژوهش شامل جدید و تخصصی بودن مطالب، الزام آشنا بودن گروه خبرگان و پرسش‌شوندگان با مفاهیم حوزه فرهنگ و تمدن، دانش آینده‌پژوهی و آشنایی با تحلیل لایه‌ای علت‌ها، در عمل پژوهشگران مجبور به استفاده از تعداد محدودی از افراد شدند. این محدودیت در بخش پانل منجر به بهره‌گیری از ظرفیت شش فرد خبره آشنا با تخصص‌های مذکور شد و برای تکمیل

پرسش‌نامه‌ها از سی فرد توانمند و آشنا با حوزه فرهنگ و تمدن بهره‌گرفته شد و برای ارتقای سطح دانش این افراد درباره روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، خلاصه‌ای دو صفحه‌ای از مهم‌ترین مباحث این حوزه و کاربرد آنها برای تکمیل پرسش‌نامه تهیه و برای پاسخ‌گویان ارسال شد.

براین اساس خبرگان منتخب در این پژوهش شامل افراد ذیل بودند:

(الف) استادان برجسته و مؤلف در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی؛

(ب) مدیران حوزه فرهنگی کشور با سابقه کاری حداقل ده سال؛

(ج) تعدادی آینده‌پژوه فعال در حوزه مسائل فرهنگی و اجتماعی؛

(د) دانشجویان و پژوهشگرانی که تحصیلات مرتبط با حوزه فرهنگ و تمدن داشته‌اند.

نحوه انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به شیوه هدفمند و در دسترس بوده است. در گام اول، برای شناسایی معرف‌های تمدنی، مرور بیانات امامین انقلاب اسلامی و مطالعه پژوهش‌ها و تألیفاتی که به پوییش و بررسی موضوع تمدن‌سازی و تمدن نوین اسلامی پرداخته‌اند انجام شد.

در گام دوم، ضمن بررسی پیشینه پژوهش و نتایج به‌دست‌آمده از گام اول با مشورت استادان حوزه آینده‌پژوهی و فرهنگ و تمدن برای افزایش اعتبار گویه‌های به‌دست‌آمده از گام اول اقدام شد و لیستی از معرف‌های تمدنی مختلف به‌دست آمد.

در گام سوم، با برگزاری پانل تخصصی برای تعیین جایگاه هریک از معرف‌های تمدنی در لایه‌های تحلیلی چهارگانه بحث و بررسی انجام شد و در نهایت هفده معرف تمدنی در چهار لایه «واقعیت‌ها و تجارب»، «نظام‌ها، ساختارها و سیستم‌ها»، «گفتمان و جهان‌بینی» و «حقایق و اسطوره‌ها» تعیین وضعیت شدند.

در گام چهارم، با طراحی و تقدیم پرسش‌نامه، از سی خبره حوزه فرهنگ و تمدن خواسته شد طبق ارزش‌گذاری با طیف لیکرت، نظرهایشان را در خصوص اهمیت هر معرف در لایه تحلیلی مربوطه اعلام کنند.

در گام پنجم، با تجمیع و تحلیل نظرهای خبرگان در پرسش‌نامه‌ها، مهم‌ترین معرف‌های تمدن در هر لایه تحلیلی تعیین و معرفی شدند.

مفهوم و ماهیت تمدن

واژه تمدن از ماده «مَدَنَ بِالْمَكَانِ» به معنای اقامت گزیدن در جایی گرفته شده است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶: ۲۲۰۱). شهر را از آن جهت مدینه گویند که مردم، آن را به‌عنوان مکانی برای زندگی خود برمی‌گزینند. بر همین اساس این کلمه معادل واژه شهرآیینی و به معنای حسن معاشرت است (جان‌احمدی، ۱۳۸۶: ۲۴). با این وصف متمدن شدن یعنی «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۱۳۸۹، ج ۱: ۵۳۰).

در بررسی آیات قرآن و روایات در حوزه تمدن از واژه‌های حضر، مدن، مدینه و ملک نام برده شده است. واژه حَضَرَ و مشتقات آن ۲۵ بار در قرآن بیان شده است. مؤلف کتاب التحقیق واژه «مدن» را مأخوذ از لغت عبری و سریانی و واژه مدین و مدینه را مشتق از ماده «دین» و به معنای پذیرش و خضوع در برابر برنامه‌ها، قوانین و مقررات دانسته است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۵۵). مؤلف کتاب تاریخ و تمدن ملک مهدوی تاریخ از ابتدای هبوط آدم ﷺ تا عصر حاضر را تقابل دو تمدن شیطانی و تمدن الهی، و ملک را مناسب‌ترین واژه قرآنی برای تمدن می‌داند (همایون، ۱۳۹۰: ۲۶۵).

در فرهنگ‌های انگلیسی واژه civilization معادل تمدن است. این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی civis به معنای شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته که دستاورد شهرنشینی است یا برای پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند (سپهری، ۱۳۸۵: ۳۵). یونانیان با استفاده از واژه civilization، شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۹).

ابن خلدون مؤلفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصیبت دانسته است (آدمی، ۱۳۸۷: ۳۹). وی حضارت را یکی از مراحل زندگانی جامعه دانسته است که مرحله بداوت آن را به‌کمال می‌رساند (سپهری،

۱۳۸۵: ۳۱). ایشان درباره مدنیت بیان کرده است: «در اینکه اجتماع نوع انسان ضروری است و حکیمان این معنا را بدین‌سان تعبیر کنند که انسان دارای سرشت مدنی است، یعنی ناگزیر است اجتماعی تشکیل دهد که در اصطلاح ایشان آن را مدنیت گویند، و معنای عمران همین است» (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱: ۷۷). به اعتقاد ابن خلدون، حضارت و بداوت همدیگر را کامل می‌کنند و حضارت به معنای تأسیس شهرها و شهرک‌ها و استقرار است که حکومت، مدنیت، مکاسب زندگی، صنایع و علوم، و وسایل رفاه و آسایش در آن پدید می‌آید (سپهری، ۱۳۸۵: ۳۲).

به اعتقاد علامه جعفری، «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آنها بنماید؛ به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به‌فعلیت رسیدن استعداد‌های سازنده آنها باشد» (جعفری، ۱۳۷۳، ج ۶: ۲۳۳).

«درواقع تمدن صورت خاص و مادی زندگی مردم بر مبنای فرهنگ و تفکر است. به عبارت دیگر تمدن نمودهای مجموعه آداب و رسوم و سنن و رفتار و کردار و علم و فنون و صنایعی است که از اصول و مبانی فرهنگی خاص منبث است» (خرمشاد، ۱۳۹۳: ۱۲۷-۱۵۴). در اندیشه امام خمینی^ع مفهوم تمدن در قالب تعریف مشخص و ثابتی ارائه نشده است و معانی مختلفی از آن برداشت می‌شود. ایشان تمدن را از فرهنگ متمایز کردند و آنها را جداگانه به کار بردند که نشان می‌دهد معنای متفاوتی را از این دو مفهوم مورد توجه داشته‌اند: «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده [است]. فرهنگ باید فرهنگی موافق با تمدن باشد.» ایشان پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را مصادیق تمدن می‌دانند (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۲).

در اندیشه امام خامنه‌ای، آنچه تمدن را پدید می‌آورد معارف زندگی ساز است و اسلام ثابت کرده است ظرفیت آن را دارد که امت خود را به اعتلای مدنی و علمی و عزت و قدرت سیاسی برساند:

نخستین فرآورده سیاسی انسانی اسلام، امت اسلامی است که از مدینه‌النبی آغاز شد و به صورتی حیرت‌آور و افسانه‌وار، قدم در راه رشد کمی و کیفی نهاد. هنوز نیم قرن از

ولادت این پدیده مبارک نگذشته بود که نزدیک به نیمی از تمامی قلمرو سه تمدن بزرگ باستانی همسایه خود، یعنی ایران، رم و مصر را درنوردید و یک قرن پس از آن، تمدنی درخشان و حکومتی عزیز و مقتدر در مرکز جهان پدید آورد که از شرق به دیوار چین و از سوی دیگر به سواحل اقیانوس اطلس و از شمال تا استپ‌های سیبری و از جنوب تا جنوب اقیانوس هند می‌رسید. قرن‌های سوم و چهارم هجری و پس از آن، مزین به تمدنی آن‌چنان مشعشع است که پس از هزار سال، هنوز برکات علمی و فرهنگی آن را در مدنیت کنونی جهان، می‌توان به‌وضوح دید؛ اگرچه مورخان غربی به هنگام حکایت تاریخ علم و تمدن، این رستاخیز عظیم و بی‌سابقه علم و فرهنگ و تمدن را یک‌سره در بوته اجمال و اهمال می‌نهند و سرگذشت علم را از یونان و رم باستان، یک‌سره به رنسانس متصل می‌کنند؛ گویی علم و تمدن هزار سال مرده بود و یک‌باره در رنسانس تولد یافت. لیکن حقیقت آن است که قرون وسطا فقط برای غرب و اروپا دوران تاریکی و جهالت و وحشت بود، ولی برای دنیای اسلام با گستره‌ای چندین برابر اروپا یعنی از اندلس تا چین دوران تشعشع و بیداری و عروج علمی شمرده می‌شد.

غرض از این یادآوری، تفاخر به گذشته نیست. غرض یادآوری این حقیقت است که آنچه آن تمدن را پدید آورد، یعنی اسلام و معارف زندگی‌ساز آن، هم‌اکنون نیز در اختیار ماست. ... اسلام ثابت کرده است ظرفیت آن را دارد که امت خود را به اعتلای مدنی و علمی و عزت و قدرت سیاسی برساند (بیانات امام خامنه‌ای در هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۱۸).

از این مفهوم برداشت می‌شود که تمدن محصول فکر، معارف و فرهنگ است.

امام خامنه‌ای در تبیین مفهوم تمدن و ارتباط آن با تدین می‌فرمایند: «تمدن یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی، و تدین یعنی جهت درست در زندگی داشتن؛ جهت عدل، انصاف، صفا، صداقت و رو به طرف خدا. اینها با هم چه منافاتی دارند؟ انسان می‌تواند با این جهت‌گیری، آن‌طور زندگی کند؛ کمالینکه خیلی از دانشمندان و متفکرین ما متدین بودند» (گفت‌و شنود امام خامنه‌ای با گروهی از جوانان و نوجوانان در تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۴).

ایشان تمدن اسلامی را فضایی می‌دانند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده

است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد؛ انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معناست و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۴).

با عنایت به مجموعه تعاریف مطرح شده توسط دانشمندان و صاحب نظران این حوزه و با هدف ارائه یک تعریف جامع و جهان‌شمول برای «تمدن»، تعریف مختار در این پژوهش این‌گونه بیان می‌شود: «تمدن ظهور و بروز فراگیر، نظام‌مند و نهادینه شده یک فرهنگ خاص در سبک زندگی، تعاملات و ابزارهاست؛ به گونه‌ای که ابعاد مختلف نیازهای فردی و اجتماعی را پوشش دهد.»

تمدن نوین اسلامی: حقایق و ذهنیت‌ها

فلسفه انقلاب اسلامی صرفاً احیای تمدن اسلامی به معنای همه جریان‌های تمدنی گذشته نیست. همچنین در چهارچوب رویکرد آرمان‌گرایی واقع‌بینانه که به نوعی همان رویکرد فلسفه تاریخ است، منظور از صفت «اسلامی» تمدن، اسلام ناب محمدی ﷺ است و اسلام مورد نظر در هندسه و محاسبات نظام‌های غربی، ارتجاعی، سلفی و امثال آن منظور نیست.

در تمدن‌سازی نوین اسلامی ساختن تمدن اسلامی با محوریت «ولایت» و رابطه مستحکم «امام و امت» با رویکرد فقه پویای اسلامی مد نظر است تا با اتکا به آن بتوان مسائل روزمره جامعه را با رویکرد توجه توأمان به نیازهای دنیوی و اخروی بشر حل و فصل کرد. تأکید می‌شود که جنبه دیگر نوین بودن تمدن اسلامی، مقدمه‌سازی برای اتصال جامعه معاصر به جامعه مهدوی در دوران قبل از ظهور منجی است. شاید بتوان گفت تفاوت اصلی «مدرنیته» در تمدن غرب و «نوین» بودن تمدن اسلامی در تعیین «نقطه پایان» برای تمدن، فارغ از زمان‌بندی خاص باشد. مدرنیته نقطه پایانی خودش را شفاف تعریف نکرده، و بر همین اساس هر روز در حال نوشدن و حتی تخریب گذشته و تغییر نقطه پایان خویش است (بابایی، ۱۳۹۰: ۸۶).

با عنایت به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فضای تقابلی بین تمدن حاکم بر دنیا یعنی تمدن غربی با مرکز مدعی تمدن نوین اسلامی یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران، ضرورت دارد که مقایسه دقیقی در حوزه ارزش‌های بنیادین دو تمدن مذکور صورت پذیرد. این مقایسه در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱. مقایسه ارزش‌های بنیادین تمدن نوین اسلامی و تمدن نوین غربی

محورها	ارزش‌های بنیادین تمدن نوین اسلامی	ارزش‌های بنیادین تمدن نوین غربی
نظام حاکم	نظام توحیدی (ولایت حق، حکمروایی فقاقت‌پایه، عقل معنوی)	نظام الحادی (صهیونیسم، حکمرانی سرمایه‌محور، عقل ابزاری)
سازکار مشارکت داخلی	مردم‌سالاری دینی	دمکراسی حزبی
شاخص تمدنی	عدالت و حریت (اقامه حق، عدل و آزادی دین‌محور و متعادل)	لیبرالیسم و لائسیته (آزادی خواهی حداکثری بدون حضور دین)
سازکار تعامل محیطی	استقلال (مبتنی بر امنیت اعتقادپایه و اقتدار مردم‌پایه)	سلطه (مبتنی بر امنیت نظامی و اعمال قدرت نرم)

تمدن نوین اسلامی در سیر تکاملی تمدن الهی طرح می‌شود. در قرآن و احادیث اسلامی، به جای محوریت مفهوم مصطلح جامعه اسلامی، از مفهوم امت اسلامی استفاده می‌شود و اندیشه تمدنی اسلام، در مفهوم «امت» متبلور است، محدودیت‌ها و مرزبندی‌های جغرافیایی و مکانی، تعصبات قومی و نژادی و زبانی نقش اساسی در تشکیل امت ندارد و معیار در امت اسلامی وحدت عقیدتی و التزام به تعالیم جهانی قرآن کریم است.

واژه «امت» با جامعه، ملت، کشور و وطن تفاوت اساسی و بنیادین دارد؛ چون ملاک در خصوص چهار مورد اخیر، ویژگی‌های مشترک نژادی، جغرافیایی و ملی است؛ در حالی که در امت اسلامی ملاک و معیار اصلی وحدت عقیدتی، فرهنگی و جهان‌بینی و التزام به تعالیم جهانی قرآن کریم می‌باشد (عرفان و بیات، ۱۳۹۳: ۷-۳۰). هرچه ویژگی‌های «ملت‌محور» در

تعاملات و روابط مردم یک یا چند جامعه اسلامی به سمت ویژگی‌های «امت‌محوری» گرایش پیدا کند، می‌توان گفت که حرکت به سمت تمدن اسلامی در آن جوامع محقق شده و یا به عبارتی تمدن نوین اسلامی در حال شکل‌گیری است (توکلی، ۱۳۹۶: ۲۳).

جدول ۲. مفاهیم هویت‌ساز در دو پارادایم امت و ملت

متغیر و شاخص	ملت	امت
ملاک تمایز	جغرافیا، وطن، زبان و نژاد	ایمان و اعتقادات دینی
منبع هویت	تجارب انسانی	دین و مکتب
جامعه مطلوب	دمکراتیک	ولایی
بازیگر فعال	شهروند (عقلانیت مبتنی بر خرد و تجربه بشری)	انسان مؤمن (عقلانیت همسو با وحی و هدایت امام)

انسان‌های مکتبی و دینی عاملان هویت‌بخش امت و تمدن اسلامی هستند و انقلاب اسلامی ایران با تربیت افراد مؤمن و مکتبی در این راستا پیشرو بوده است:

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حرکت الهی، در استمرار جریان بیداری اسلامی و به‌عنوان مهم‌ترین مرحله آن، در مقابل همه تمدن‌های مادی که جوهره آنها تقابل با یکتاپرستی واقعی و توحید مسئولیت‌آور است قامت برافراشت. انقلاب اسلامی ایران سیر حرکت جامعه ایرانی و بشری را به‌سوی تکامل و تعالی سرعت بخشید و راه را باز، هموار و پیمودنی نمود (خرمشاد، ۱۳۹۳: ۱۵۰).

از همین رو می‌توان گفت که اسلام پایه‌گذار امت و تمدن بزرگ اسلامی در جهان است و قابلیت حکومت تمدنی را نیز دارد. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ایجاد شد، مرحله نظام‌سازی را پشت سر گذاشت و در مرحله دولت اسلامی قرار دارد و در سیر تکاملی خود به دنبال جامعه اسلامی و تمدن‌سازی نوین اسلامی است. این انقلاب در بیداری اسلامی و حرکت دوباره مسلمانان برای نوسازی فرهنگ و تمدن اسلامی نقش مؤثری داشته است. ساموئل هانتینگتون، رئیس انجمن علوم سیاسی امریکا، معتقد است: «مسلمانان به گونه‌ای چشمگیر به سوی هویت اسلامی می‌روند و تأکید دارند اسلام، تنها راه‌حل است. احیای اسلامی تلاشی برای یافتن راه‌حل، نه در ایدئولوژی غربی، بلکه در اسلام مدرن است که فرهنگ غربی را رد

می‌کند و تعهد به اسلام را راهنمای زندگی در جهان مدرن می‌داند.» چنان‌که اشاره شد، فرهنگ و مکتب نقش برجسته و ممتازی را در تمدن‌سازی و به‌ویژه در تمدن‌سازی نوین اسلامی دارد. از آنجاکه اسلام و جهت‌گیری‌های آن در تمدن نوین اسلامی نقش برجسته‌ای دارد، در این قسمت به برخی از ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی اشاره می‌شود:

تمدن نوین اسلامی با تمسک به قرآن و عترت (کتاب خدا و ولایت)، فارغ از مرز جغرافیایی بین چند کشور یا در بین چند ملت، در گستره امت اسلامی ایجاد می‌شود؛ پویایی تمدن نوین اسلامی مبتنی بر تکامل منطق و حجیت دینی در زندگی آحاد جامعه است؛

تمدن نوین اسلامی همه ابعاد فطری شامل معنویت، عقلانیت، عدالت، دین‌داری، مردم‌داری، هنرورزی، استقلال و حریت مبتنی بر نظام توحیدی اسلام را در قالب سبک زندگی منسجم در نظام اجتماعی (تعالی فرهنگی، کارآمدی سیاسی، توسعه اقتصادی) پوشش می‌دهد؛

در تمدن نوین اسلامی، مصادیق مشهودی مانند نظام معرفتی، علمی و دانش‌افزایی نافع، قوانین و مقررات عادلانه، ساختار حکومتی منطقه‌ای و کارگزاران شایسته، سبک معماری و شهرسازی اسلامی و لباس و پوشش مبتنی بر حیا و عفت ظاهر می‌شود؛ تمدن نوین اسلامی به طور آگاهانه معنویت، فکر، فرهنگ، بینش و معرفت اسلامی توأم با قدرت، صنعت، علم و پیشرفت مادی را در سطح امت دنبال می‌کند؛

تمدن نوین اسلامی ظهور و بروز مکتب اسلام ناب محمدی در جوامع مختلف است که محور وحدت آنها نظام توحیدی است؛

تمدن نوین اسلامی ابعاد مادی و معنوی زندگی بشر (دنیا و آخرت حسنه) را شامل می‌شود.

بر اساس ویژگی‌های فوق، تعریف مختار تمدن نوین اسلامی که ذهنیت‌ها را بر پایه حقایق اسلام ناب محمدی شکل می‌دهد این‌گونه تبیین می‌شود: «تمدن نوین اسلامی ظهور و بروز فراگیر، نظام‌مند و نهادینه‌شده ولایت الهی، فرهنگ قرآنی و اسلام ناب محمدی در سبک

زندگی، تعاملات و ابزارهاست؛ به گونه‌ای که ابعاد مختلف نیازهای مادی و معنوی امت معاصر را در مسیر رشد و کمال، متناسب با مقتضیات زمان و شرایط ظهور پوشش دهد.»

تمدن نوین اسلامی: وقایع و عینیت‌ها

اگرچه مُبدع و عرضه‌کننده ایده تمدن‌سازی اسلامی در عصر حاضر حضرت امام خمینی علیه السلام بودند، به جرئت می‌توان ادعا کرد که جریان‌سازی مناسب در جامعه خبرگان مسلمان برای بسط و گسترش مفاهیم و تفسیر عملیاتی ذهنیت‌ها در این حوزه، توسط آیت الله خامنه‌ای علیه السلام انجام شده است. بر همین اساس بهترین اسناد دانشی در عرصه وقایع و عینیت‌های تمدن نوین اسلامی را باید در بیانات معظم‌له جست‌وجو کرد.

عینیت‌های تمدنی از منظر ایشان شامل دو بخش اساسی می‌شود: یکی «سبک زندگی و تعاملات انسانی» در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی و دیگری «مصنوعات، ابزارها و وسایل و فناوری زندگی» در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی. به نظر می‌رسد بخش ابزاری، مصنوعات، وسایل و فناوری تمدن از نظر مفهومی روشن باشد، اما برای تبیین چهارچوب معنایی سبک زندگی نیاز به مباحث تکمیلی وجود دارد.

از دیدگاه امام خامنه‌ای علیه السلام، سبک زندگی معادل مصادیق رفتاری جامعه نمی‌شود، بلکه سبک زندگی را به لحاظ لغوی معادل عقل معاش یا اخلاق عملی اجتماعی و به لحاظ اصطلاحی آن را «نوع رفتار یا الگوی رفتاری حاکم بر رفتار افراد» در همه رفتارهای شخصی، حاکمیتی و اجتماعی می‌دانند.

ابعاد مختلف مدنظر معظم‌له در خصوص جنبه‌های عینی تمدن نوین اسلامی را می‌توان در سخنرانی بیستم مهرماه سال ۱۳۹۱ ایشان در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی جست‌وجو کرد که فرازی از آن ذکر می‌شود:

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن. اینها عبارةً الاخرای یکدیگر است. این یک بُعد مهم است. این موضوع را می‌خواهیم امروز یک قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم، که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است، باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی

برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است.

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم، بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد. این جور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. این محاسبه درستی است. این تمدن نوین دو بخش دارد. به هر دو بخش باید رسید: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است.

آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه سیاست، هم در زمینه مسائل علمی، هم در زمینه مسائل اجتماعی، هم در زمینه اختراعات، که شما حالا اینجا نمونه‌اش را ملاحظه کردید و این جوان عزیز برای ما شرح دادند، و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریم‌ها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است.

اما بخش حقیقی آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه. اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است.

تمدن نوین اسلامی، آن چیزی که ما می‌خواهیم عرضه کنیم، در بخش اصلی از این چیزها تشکیل می‌شود. اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول

درآوردن و پول خرج کردن نیست که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه همه این عرصه وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام «کتاب العشره»؛ آن کتاب العشره درباره همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست. خب، می‌شود این بخش را به منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد.

یافته‌های پژوهش

در این تحقیق با عنایت به مطالعه دقیق پیشینه پژوهش و بهره‌گیری از دانش خبرگان حوزه فرهنگ و تمدن، هفده عنوان از معرف‌های تمدنی به این شرح شناسایی شد: «زبان‌ها و شعائر و آداب و رسوم»، «مناسک، رفتارها و نمادها»، «رویدادها، حوادث (وقایع) و روندها»، «تولید کالا و خدمات (محصولات)»، «مصنوعات و ابزارها (فناوری)»، «حقوق و تکالیف متقابل حاکمیت و مردم با همدیگر»، «نظام‌ها و ساختارهای حاکمیتی و مدیریتی (نظامات اداره‌کننده دولت و جامعه)»، «سبک مدیریت و تعاملات مسئولان (سیره یا منطق عملی) مثل سبک خدمت به مردم»، «سبک زندگی مردم (تعاملات و روابط با همدیگر و با حاکمیت و...) مثل کسب درآمد»، «منظومه آرمان‌ها و اهداف و نظام کارکردها»، «سیاست‌ها و راهبردها و چشم‌اندازها و اهداف و برنامه‌های پنج‌ساله (مفاهیم راهبردی و کاربردی)»، «منظومه ارزش‌ها، منویات و مطالبات رهبران و علما»، «مجموعه علوم و معارف (منطق نظری)»، «باورها و مفروضات بنیادین (اصول دین و فروع دین)»، «شخصیت‌های الگو»، «تاریخ، حکمت، فلسفه و شعر»، «ملاحظه نصرت‌های معجزه‌گون و افسانه‌ای در مسیر پیشرفت».

این هفده عنوان در یک پنل تخصصی مورد بررسی قرار گرفته و باتوجه‌به رویکرد تحلیل لایه‌ای علت‌ها، تلاش شد هریک از معرف‌های شناسایی شده در لایه تمدنی خاص خود جانمایی شود.

جداول ۳. معرف‌های تمدنی به تفکیک لایه‌های تحلیلی

عنوان معرف تمدنی	لایه تحلیلی
زبان‌ها و شعائر و آداب و رسوم	واقعیت‌ها و

تجارب	مناسک، رفتارها و نمادها
	رویدادها، حوادث (وقایع) و روندها
	کالا و خدمات (محصولات)
	مصنوعات و ابزارها (فناوری)

عنوان معرف تمدنی	لایه تحلیلی
حقوق و تکالیف متقابل حاکمیت و مردم با همدیگر	نظام‌ها، ساختارها و سیستم‌ها
نظام‌ها و ساختارهای حاکمیتی و مدیریتی (نظامات اداره‌کننده دولت و جامعه)	
سبک مدیریت و تعاملات مسئولان (سیره یا منطق عملی) مثل سبک خدمت به مردم	
سبک زندگی مردم (تعاملات و روابط با همدیگر و با حاکمیت) مثل کسب درآمد	

عنوان معرف تمدنی	لایه تحلیلی
منظومه آرمان‌ها و اهداف و نظام کارکردها	گفتمان‌ها و جهان‌بینی
سیاست‌ها، راهبردها، چشم‌اندازها، اهداف و برنامه‌های پنج‌ساله (مفاهیم راهبردی و کاربردی)	
منظومه ارزش‌ها، منویات و مطالبات رهبران و علما	
مجموعه علوم و معارف (منطق نظری)	

عنوان معرف تمدنی	لایه تحلیلی
باورها و مفروضات بنیادین (اصول دین و فروع دین)	حقایق و اسطوره‌ها
شخصیت‌های الگو	
تاریخ، حکمت، فلسفه و شعر	
ملاحظه نصرت‌های معجزه‌گون و افسانه‌ای در مسیر پیشرفت	

براین اساس جدول معرف‌های تمدنی به تفکیک لایه‌های چهارگانه تحلیل لایه‌ای علت‌ها به دست آمد که مبنای تولید پرسش‌نامه برای اخذ نظرهای خبرگان شد.

جدول ۴. نمونه فرم پرسش‌نامه

میزان تناسب معنایی معرف با لایه	میزان تناسب معنایی معرف با لایه					معرفی‌ها	لایه تمدنی
	۱	۲	۳	۴	۵		
						فرآوانی درصد فرآوانی	۱- حرفت‌ها و تجارت‌ها
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	۲- نظام‌ها و ساختارها و سیستم‌ها
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	۳- گفت‌وگوها و جهان‌بینی
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	۴- حقایق و اسطوره‌ها
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	
						فرآوانی درصد فرآوانی	

نتایج دیدگاه سی نفر از خبرگان درباره میزان تناسب معنایی معرف تمدنی با لایه تحلیلی

به شرح ذیل شد:

جدول ۵. مجموع دیدگاه خبرگان در خصوص تناسب معنایی معرف‌های تمدنی با لایه تحلیلی

لایه تمدنی	معرف‌ها	میزان تناسب معنایی معرف با لایه			
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
۱- حرفت‌ها و تجارت	فرآیندی	۱۵	۱۰	۲	۰
	درصد فرآیندی	۵۰.۰	۳۳.۳	۶.۷	۰
	فرآیندی	۱۴	۱۳	۱	۰
	درصد فرآیندی	۲۶.۷	۲۳.۳	۳.۳	۰
	فرآیندی	۱۰	۹	۹	۱
	درصد فرآیندی	۳۳.۳	۳۰.۰	۳۰.۰	۳.۳
	فرآیندی	۱۱	۹	۸	۲
	درصد فرآیندی	۳۶.۷	۳۰.۰	۲۶.۷	۶.۷
	فرآیندی	۱۱	۱۱	۶	۱
درصد فرآیندی	۳۶.۷	۳۶.۷	۲۰.۰	۳.۳	
۲- نظام‌ها و ساختارها و سیستم‌ها	حقوق و تکالیف متقابل حاکمیت و مردم یا همدیگر	۱۲	۸	۵	۱
	درصد فرآیندی	۴۰.۰	۲۶.۷	۱۶.۷	۳.۳
	فرآیندی	۲۰	۶	۲	۲
	درصد فرآیندی	۶۶.۷	۲۰.۰	۶.۷	۶.۷
	فرآیندی	۱۴	۱۰	۲	۲
	درصد فرآیندی	۲۶.۷	۳۳.۳	۶.۷	۶.۷
	فرآیندی	۱۰	۱۱	۳	۲
	درصد فرآیندی	۳۳.۳	۳۶.۷	۱۰.۰	۶.۷
	فرآیندی	۱۹	۸	۰	۰
درصد فرآیندی	۶۳.۳	۲۶.۷	۰	۰	
۳- گفتارها و جهان‌بینی	سیاست‌ها و راهبردها و چشم‌اندازها و اهداف و برنامه‌های پنج‌ساله (تفاهیم راهبردی و کاربردی)	۱۴	۸	۴	۲
	درصد فرآیندی	۲۶.۷	۲۶.۷	۱۳.۳	۶.۷
	فرآیندی	۱۶	۱۰	۳	۱
	درصد فرآیندی	۵۳.۳	۳۳.۳	۱۰.۰	۳.۳
	فرآیندی	۱۱	۱۴	۲	۰
	درصد فرآیندی	۳۶.۷	۴۶.۷	۶.۷	۳.۳
۴- متفاین و اسطوره‌ها	باورها و مفروضات بنیادین (اصول دین و فروع دین)	۱۳	۹	۱	۱
	درصد فرآیندی	۲۳.۳	۳۰.۰	۳.۳	۳.۳
	فرآیندی	۱۸	۹	۲	۰
	درصد فرآیندی	۶۰.۰	۳۰.۰	۶.۷	۰
	فرآیندی	۱۰	۱۱	۵	۲
	درصد فرآیندی	۳۳.۳	۳۶.۷	۱۶.۷	۶.۷
	فرآیندی	۹	۱۳	۷	۱
	درصد فرآیندی	۳۰.۰	۴۳.۳	۲۳.۳	۳.۳

آماره‌های توصیفی به تفکیک لایه‌ها در نتیجه تحلیل نتایج پرسش‌نامه در جدول زیر

مشاهده می‌شود:

جدول ۶. آمار توصیفی به تفکیک لایه‌های تحلیلی

واقعیات‌ها و تجارب	نظام‌ها و ساختارها و سیستم‌ها	گفتمان‌ها و جهان‌بینی	حقایق و اسطوره‌ها	میانگین
20.1667	15.6667	16.4667	15.7000	میانگین
3.11928	4.42043	3.48131	3.16391	انحراف استاندارد
9.730	19.540	12.120	10.010	واریانس
13.00	15.00	12.00	16.00	دامنه تغییرات
12.00	5.00	8.00	4.00	کمترین مقدار
25.00	20.00	20.00	20.00	بیشترین مقدار

در لایه تمدنی «واقعیات‌ها و تجارب» میانگین برابر $20/1667$ و انحراف استاندارد برابر $3/11928$ است. همچنین باتوجه به اینکه بیشترین مقدار 25 است، نشان‌دهنده این است که میانگین به بیشترین مقدار نزدیک‌تر است و این عدد بیانگر این است که مقدار عددی جواب‌های پاسخ‌گویان بالاست و این مطلب نیز نشانگر این است که بیشترین پاسخ‌هایی که پاسخ‌گویان داده‌اند به گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد است.

در لایه تمدنی «نظام‌ها، ساختارها و سیستم‌ها» میانگین برابر $15/6667$ و انحراف استاندارد برابر $4/42043$ است. همچنین باتوجه به اینکه بیشترین مقدار 20 است، نشان‌دهنده این است که میانگین به بیشترین مقدار نزدیک‌تر است و این عدد بیانگر این است که مقدار عددی جواب‌های پاسخ‌گویان نسبتاً بالاست.

در لایه تمدنی «گفتمان‌ها و جهان‌بینی» میانگین برابر $16/4667$ و انحراف استاندارد برابر $3/48131$ است. همچنین باتوجه به اینکه بیشترین مقدار 20 است، نشان‌دهنده این است که میانگین به بیشترین مقدار نزدیک‌تر است و این عدد بیانگر این است که مقدار عددی جواب‌های پاسخ‌گویان بالاست و این مطلب نیز نشانگر این است که بیشترین پاسخ‌هایی که پاسخ‌گویان داده‌اند به گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد است.

در لایه تمدنی «حقایق و اسطوره‌ها» میانگین برابر $15/7000$ و انحراف استاندارد برابر $3/16391$ است. همچنین باتوجه به اینکه بیشترین مقدار 20 است، نشان‌دهنده این است

که میانگین به بیشترین مقدار نزدیک‌تر است و این عدد بیانگر این است که مقدار عددی جواب‌های پاسخ‌گویان نسبتاً بالاست.

در نهایت باتوجه به بررسی و تحلیل مجموع نظرهای خبرگان حوزه تمدن در پرسش‌نامه‌ها، نتایج زیر حاصل شد:

* از بین معرف‌های لایه تمدنی «واقعیت‌ها و تجارب»، به ترتیب دو نشانه و معرف، شامل «مناسک، رفتارها و نمادها» و «زبان‌ها، شعائر و آداب و رسوم» بیش از سایر معرف‌های تمدنی مهم تلقی شده‌اند که جزئیات نظر خبرگان در جداول ۷ و ۸ قابل ملاحظه است؛

در لایه تمدنی «واقعیت‌ها و تجارب»، به نظر خبرگان، نشانه و معرف «مناسک، رفتارها و نمادها»، ۹۰ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد مهم شناخته شده که نشان می‌دهد در سطح لیتانی تمدن‌سازی باید این معرف به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد (اطلاعات بیشتر در جدول و نمودار زیر).

جدول ۷. دیدگاه خبرگان در خصوص معرف «مناسک، رفتارها و نمادها»

درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی	فراوانی		
3.4	3.3	1	کم	پاسخ‌ها
3.4	3.3	1	متوسط	
44.8	43.3	13	زیاد	
48.3	46.7	14	خیلی زیاد	
100.0	96.7	29	کل	
	3.3	1	بی‌پاسخ	
	100.0	30	کل	

همچنین در لایه تمدنی «واقعیت‌ها و تجارب»، به نظر خبرگان، نشانه و معرف «زبان‌ها، شعائر و آداب و رسوم»، ۸۳ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد مهم شناخته شده که نشان می‌دهد در سطح لیتانی تمدن‌سازی باید این معرف هم به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد (اطلاعات بیشتر در جدول و نمودار زیر).

جدول ۸. دیدگاه خبرگان در خصوص معرف «زبان‌ها، شعائر و آداب و رسوم»

درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی	فراوانی		
6.9	6.7	2	کم	پاسخ‌ها
6.9	6.7	2	متوسط	
34.5	33.3	10	زیاد	
51.7	50.0	15	خیلی زیاد	
100.0	96.7	29	کل	
	3.3	1	بی‌پاسخ	
	100.0	30	کل	

* از بین معرف‌های لایه تمدنی «نظام‌ها و ساختارها و سیستم‌ها»، نتایج نظر خبرگان در این لایه نشان می‌دهد که معرف «نظام‌ها و ساختارهای حاکمیتی و مدیریتی (نظام اداره‌کننده دولت و جامعه)» بیش از سایر معرف‌های تمدنی این لایه مهم تلقی شده که در جدول ۹ قابل ملاحظه است.

در لایه تمدنی «نظام‌ها و ساختارها و سیستم‌ها»، به نظر خبرگان، نشانه و معرف «نظام‌ها و ساختارهای حاکمیتی و مدیریتی (نظام اداره‌کننده دولت و جامعه)»، ۸۷ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد مهم شناخته شده که نشان می‌دهد در سطح سیستمی تمدن‌سازی باید این معرف به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد (اطلاعات بیشتر در جدول و نمودار زیر).

جدول ۹. دیدگاه خبرگان در خصوص معرف «نظام‌ها و ساختارهای حاکمیتی و مدیریتی»

درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی	فراوانی		
6.7	6.7	2	کم	پاسخ‌ها
6.7	6.7	2	متوسط	
20.0	20.0	6	زیاد	
66.7	66.7	20	خیلی زیاد	
100.0	100.0	30	کل	

در خصوص این لایه باید متذکر شد که علاوه بر معرف فوق‌الذکر که بیش از سایر معرف‌ها مورد توجه خبرگان قرار گرفت، معرف مهم «سبک زندگی مردم شامل تعاملات و روابط با همدیگر و با حاکمیت» هم تا حدود قابل ملاحظه‌ای مورد توجه خبرگان قرار

گرفته، ولی نسبت به معرف «نظام‌ها و ساختارهای حاکمیتی و مدیریتی (نظام اداره‌کننده دولت و جامعه)» تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

این تفاوت دیدگاه خبرگی را می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که خبرگان در تحلیل خود برای لایه نظام‌ها و ساختارها و سیستم‌ها، سامان یافتن نظامات حاکمیتی و مدیریتی را دارای اولویت نسبت به نظامات حاکم بر روابط و تعاملات افراد جامعه در قالب سبک زندگی می‌دانند.

این دیدگاه تا حد زیادی منطبق بر منظومه فکری امام خامنه‌ای (عج) در تبیین مراحل شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است که در آن تحقق دولت اسلامی مقدم بر تحقق جامعه اسلامی است. به عبارت دیگر، در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، طراحی و اجرای نظامات و سیستم‌های مورد نیاز تحقق دولت اسلامی را مقدم بر نظامات و سیستم‌های شکل‌دهنده به سبک زندگی مردم است و حتی می‌توان گفت که پیش‌نیاز تحقق آن است.

* از بین معرف‌های لایه تمدنی «گفتمان‌ها و جهان‌بینی»، به ترتیب دو نشانه و معرف شامل «منظومه آرمان‌ها و اهداف و نظام کارکردها» و «مجموعه علوم و معارف (منطق نظری)» بیش از سایر معرف‌های تمدنی در این لایه مهم تلقی شده‌اند که در جداول ۱۰ و ۱۱ قابل ملاحظه است.

در لایه تمدنی «گفتمان‌ها و جهان‌بینی»، به نظر خبرگان، نشانه و معرف «منظومه آرمان‌ها و اهداف و نظام کارکردها»، ۹۰ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد مهم شناخته شده که نشان می‌دهد در سطح گفتمانی تمدن‌سازی باید این معرف به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد (اطلاعات بیشتر در جدول و نمودار زیر).

جدول ۱۰. دیدگاه خبرگان در خصوص معرف «منظومه آرمان‌ها و اهداف و نظام کارکردها»

درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی	فراوانی		
29.6	26.7	8	زیاد	پاسخ‌ها
70.4	63.3	19	خیلی زیاد	
100.0	90.0	27	کل	
	10.0	3	بی‌پاسخ	
	100.0	30	کل	

همچنین در لایه تمدنی «گفتمان‌ها و جهان‌بینی»، به نظر خبرگان، نشانه و معرف

«مجموعه علوم و معارف (منطق نظری)»، ۸۳ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد مهم شناخته شده که نشان می‌دهد در سطح گفتمانی تمدن‌سازی باید این معرف هم به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد (اطلاعات بیشتر در جدول و نمودار زیر).

جدول ۱۱. دیدگاه خبرگان در خصوص معرف «مجموعه علوم و معارف (منطق نظری)»

درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی	فراوانی		
3.6	3.3	1	خیلی کم	پاسخ‌ها
7.1	6.7	2	متوسط	
50.0	46.7	14	زیاد	
39.3	36.7	11	خیلی زیاد	
100.0	93.3	28	کل	
	6.7	2	بی‌پاسخ	
	100.0	30	کل	

* از بین معرف‌های لایه تمدنی «حقایق و اسطوره‌ها»، نتایج نظر خبرگان در این لایه نشان می‌دهد که معرف «شخصیت‌های الگو» بیش از سایر معرف‌ها مهم تلقی شده، که در جدول ۱۲ قابل ملاحظه است.

در لایه تمدنی «حقایق و اسطوره‌ها»، به نظر خبرگان، نشانه و معرف «شخصیت‌های الگو»، ۹۰ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد مهم شناخته شده که نشان می‌دهد در سطح اسطوره و استعاره تمدن‌سازی باید این معرف به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد (اطلاعات بیشتر در جدول و نمودار زیر).

جدول ۱۲. دیدگاه خبرگان در خصوص معرف «شخصیت‌های الگو»

درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی	فراوانی		
6.9	6.7	2	متوسط	پاسخ‌ها
31.0	30.0	9	زیاد	
62.1	60.0	18	خیلی زیاد	
100.0	96.7	29	کل	
	3.3	1	بی‌پاسخ	
	100.0	30	کل	

نتیجه‌گیری

از بررسی مجموع نظرهای خبرگان و تدقیق در جداول ۵ و ۶ می‌توان دریافت که خبرگان پاسخ‌گو به پرسش‌نامه، با دیدگاه خبرگان پانل تخصصی درباره جانمایی معرف‌های تمدنی در لایه‌های تحلیلی، با درصد بالایی موافق بوده و لذا نتایج مندرج در جداول ۳ از اعتبار و روایی بالایی برخوردار هستند.

همچنین با عنایت به جداول ۵ و ۷ و ۸ مشاهده می‌شود که از بین پنج معرف تمدنی لایه واقعیت‌ها و تجارب شامل «زبان‌ها و شعائر و آداب و رسوم»، «مناسک، رفتارها و نمادها»، «رویدادها، حوادث (وقایع) و روندها»، «تولید کالا و خدمات (محصولات)» و «مصنوعات و ابزارها (فناوری)»، دو معرف شکل‌دهنده به تمدن جدید شامل «مناسک، رفتارها و نمادها» و «زبان‌ها و شعائر و آداب و رسوم» بیشترین سطح اهمیت را دارا بوده و در مسیر تمدن‌سازی بالاترین اولویت را دارند. به عبارت دیگر، نمادهای عینی و قابل تجربه یک تمدن را باید بیش از سایر بروزات و نشانه‌ها در «مناسک، رفتارها و نمادها» و «زبان‌ها و شعائر و آداب و رسوم» خاص آن تمدن جست‌وجو کرد و چنانچه نظام جمهوری اسلامی ایران به دنبال تحقق تمدن نوین اسلامی است، باید در لایه واقعیت‌ها به مناسک، رفتارها و نمادهای این تمدن در سطح جهانی عینیت بخشد و زبان‌ها، شعائر، آداب و رسوم حامل این تمدن را به بشر عرضه کند؛ به گونه‌ای که مورد پذیرش و اقبال جوامع قرار گیرد.

توجه به جداول ۵ و ۹ در خصوص تحلیل معرف‌های لایه نظام‌ها و ساختارها نشان می‌دهد که از بین چهار معرف تمدنی شناسایی شده برای این لایه شامل «حقوق و تکالیف متقابل حاکمیت و مردم با همدیگر»، «نظام‌ها و ساختارهای حاکمیتی و مدیریتی (نظامات اداره‌کننده دولت و جامعه)»، «سبک مدیریت و تعاملات مسئولان (سیره یا منطق عملی) مثل سبک خدمت به مردم» و «سبک زندگی مردم (تعاملات و روابط با همدیگر و با حاکمیت و...) مثل کسب درآمد»، مهم‌ترین معرف و نشانه «نظام‌ها و ساختارهای حاکمیتی و مدیریتی (نظامات اداره‌کننده دولت و جامعه)» بوده است.

این موضوع نشان می‌دهد که برای رسیدن به قله تمدن نوین اسلامی، شکل‌گیری دولت

اسلامی تراز انقلاب اسلامی که در آن نظام‌ها و ساختارهای حاکمیتی و مدیریتی بر پایه ارزش‌های بنیادین تمدن موردنظر طراحی شده باشد از اولویت بالاتری برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که نظامات اداره‌کننده دولت و جامعه ظرفیت، اقتدار و جامعیت لازم را برای ارائه یک تصویر تمدنی قابل قبول و جذاب داشته باشند. این نتیجه به‌دست‌آمده از دیدگاه خبرگان، مؤید دیدگاه امام خامنه‌ای (عج) است که تشکیل دولت اسلامی را پس از مرحله نظام‌سازی، لازمه تحقق جامعه اسلامی مورد نیاز برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی بیان کرده‌اند.

بررسی جداول ۵ و ۱۰ و ۱۱ نشان می‌دهد که چهار معرف تمدنی در لایه گفتمان‌ها و جهان‌بینی مطرح شده‌اند که عبارت‌اند از «منظومه آرمان‌ها و اهداف و نظام کارکردها»، «سیاست‌ها و راهبردها و چشم‌اندازها و اهداف و برنامه‌های پنج‌ساله (مفاهیم راهبردی و کاربردی)»، «منظومه ارزش‌ها، منویات و مطالبات رهبران و علما» و «مجموعه علوم و معارف (منطق نظری)». دیدگاه خبرگان نشان می‌دهد که دو معرف و نشانه «منظومه آرمان‌ها و اهداف و نظام کارکردها» و «مجموعه علوم و معارف (منطق نظری)» بیشترین اهمیت را در لایه گفتمانی و جهان‌بینی دارد.

به‌عبارت‌دیگر، اندیشمندانی که در سطح نظریه‌پردازی و گفتمان‌سازی به دنبال بنیان‌گذاری تمدن نوین اسلامی در جامعه بشری هستند باید به منظومه آرمان‌ها و اهداف و نظام کارکردهای تمدن مطلوب خود توجه خاص داشته باشند و به تبیین شفاف این مباحث بپردازند. از سوی دیگر، اندیشمندان سطح تمدنی باید منطق نظری لازم برای شئون مختلف مورد نیاز در ساخت تمدن جدید را تولید و با فعال‌سازی کرسی‌های نظریه‌پردازی و ایجاد جهش در عملکرد مراکز تولید علوم و معارف، مأموریت خود را عملیاتی کنند و نتایج را در معرض نقد و بررسی کارشناسان قرار دهند.

باتوجه به جداول ۵ و ۱۲ می‌توان نتیجه گرفت که مجموع نظر خبرگان در خصوص مهم‌ترین معرف تمدنی برای تحلیل در لایه حقایق و اسطوره‌ها، از بین چهار معرف «باورها و مفروضات بنیادین (اصول دین و فروع دین)»، «شخصیت‌های الگو»، «تاریخ، حکمت،

فلسفه و شعر» و «ملاحظه نصرت‌های معجزه‌گون و افسانه‌ای در مسیر پیشرفت»، باید بیش از همه به معرف و نشانه «شخصیت‌های الگو» توجه داشت و این مقوله را در دو سطح به‌عنوان اولویت اصلی دنبال کرد. نخست آنکه شخصیت‌ها و چهره‌های تاریخی تراز ایرانی و اسلامی که می‌توانند به‌عنوان الگو و شاخص، گفتمان تمدنی مطلوب را تصدیق کنند شناسایی و هنرمندانه و جذاب به جامعه معرفی شوند. به‌عبارت‌دیگر، چنین افرادی را با استفاده از ظرفیت‌های هنری و رسانه‌ای در معرض دید جامعه قرار داد تا اقبال جامعه در سطوح مختلف علمی و سنین متفاوت بتوانند با تاسی به این الگوها، ارزش‌های بنیادین زندگی خود را بسازند و سبک زندگی‌شان را بر اساس این ارزش‌ها تنظیم کنند؛ در سطح دوم، جامعه ادیبان و عالمان متخلق به ارزش‌های تمدن مطلوب، باید به تربیت و معرفی افراد حکیم و اخلاق‌مدار از میان خود اهتمام ورزند و الگوهای ملموس را به جامعه بشری معرفی کنند.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای
ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی.
- آدمی، علی (۱۳۸۷). دانشگاه تمدن سازتمدن‌ساز؛ ضرورت تاریخی عصر جدید، تهران، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- بابایی، حبیب‌اله (۱۳۹۰). تمدن و تجدد، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بل، وندل (۱۳۹۱). مبانی آینده‌پژوهی: تاریخچه، اهداف و دانش: علم انسانی برای عصر جدید، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
- بیانات امام خامنه‌ای دامنه، دسترسی در: www.khamenei.ir.
- توکلی، علیرضا (۱۳۹۶). «الگوی حکمروایی سرآمد»، ششمین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۶). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، نشر معارف.

- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). فرهنگ پیرو؛ فرهنگ پیشرو، تهران، علمی و فرهنگی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۸ق). الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، احمد عبدالغفور، بیروت، دار العلم للملایین.
- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۳). «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی»، راهبرد فرهنگ، س ۵، ش ۲۳، ص ۱۲۷-۱۵۲.
- سپهری، محمد (۱۳۸۵). تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران، نور الثقلین.
- عرفان، امیرمحسن و علی بیات (۱۳۹۳). «آموزه امت اسلامی در قرآن و بازاندیشی در قابلیت‌های فرهنگی و تمدنی آن»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۵، ش ۱۵، ص ۷-۳۰.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران، اشجع.
- عنایت‌الله، سهیل (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی باروش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، ترجمه مهدی مبصری و مریم یوسفیان، تهران، شکیب.
- فوزی، یحیی و محمودرضا صنم زاده (۱۳۹۱). «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ع)»، تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۳، ش ۹، ص ۷-۴۰.
- گولد، جولیاوس و ویلیام کولب (۱۳۸۴). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد جواد زاهدی، تهران، نشر مازیار.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- همایون، محمد هادی (۱۳۹۰). تاریخ تمدن و ملک مهدوی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و دانشگاه امام صادق (ع).